

Refugee and Migrant Education in Iran: A Systematic Review and Analysis of Research Gaps (From 2011 to 2023)

Somayeh Varshoe

Researcher in Sociology, ACECR, Khorasan Razavi Branch, Mashhad, Iran

Neda Razavizadeh¹

Assistant Professor in Sociology, ACECR, Khorasan Razavi Branch, Mashhad, Iran

Received: 27 June 2025

Revised: 24 August 2025

Accepted: 21 September 2025

Abstract

Over the past five decades, Iran has experienced several unprecedented waves of migration. During this period, providing educational services to migrants has consistently been a major policymaking and planning challenge to deal with these large groups of people. A systematic understanding of the issues and consequences of migrant education can provide evidence-based insights for policymakers and planners in the fields of education and migration in Iran. This study aimed to review and synthesize Persian scholarly research on migrant education in Iran and identify research gaps in this field. To do so, a systematic review was conducted based on the PRISMA framework. The study population comprised all articles published between 2011 and 2023 in scientific-research journals approved by Iran's Ministry of Science, Research and Technology and indexed in four Persian-language academic databases: SID, NoorMags, and Magiran. Following a systematic search based on the inclusion and exclusion criteria, 20 articles were selected for final analysis. The selected studies were examined in terms of the bibliographic features of the articles and journals, time of publications, geographical dispersion of studies, research topics, theoretical and methodological approaches, data collection and analysis methods. The findings suggest that educational inequality, identity-related challenges, and the integration of migrant students were among the most frequently studied topics. However, the existing literature exhibits several significant research gaps, including limited methodological and data diversity;

1. Corresponding author. Email: nrazavi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Varshoe, S. & Razavizadeh, N. (2026). Refugee and Migrant Education in Iran: A Systematic Review and Analysis of Research Gaps (From 2011 to 2023). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 23(1), 59-100. <https://doi.org/10.22067/social.2025.94186.1656>

the paucity of comparative studies and approaches sensitive to diversity; limited disciplinary and geographical diversity, a lack of evaluation and outcome-assessment studies, insufficient research on self-governed and international schools; and the absence of historical, generational, and cross-national studies. The role of international aids and cooperation in migrant education has also received scant scholarly attention. These findings suggest that more methodological, geographical, and disciplinary diversity, along with expanded comparative, evaluation, and outcome-oriented research, could contribute to a more comprehensive understanding of migrant education in Iran.

Key words: Migrant Education, Refugee Education, Iran, Educational Inequality, Afghan Students.

آموزش پناهندگان و مهاجران در ایران:

یک مطالعه مروری (۱۳۹۰-۱۴۰۲) و شناسایی خلأهای پژوهشی

سمیه ورشوی (پژوهشگر جامعه‌شناسی، جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران)

s.varshoe@gmail.com

ندا رضوی‌زاده (استادیار جامعه‌شناسی، جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

n.razavi@gmail.com

چکیده

ایران در پنج دهه اخیر میزبان چندین موج مهاجرتی کم‌نظیر بوده است. در این مدت خدمات آموزشی به مهاجران همواره یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مواجهه با این موج‌های بزرگ انسانی بوده است. شناخت روش‌مند و نظام‌مند مسائل و پیامدهای آموزش و تحصیل مهاجران می‌تواند برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه آموزش و مهاجرت در کشور بازخوردهای شواهدمحور فراهم کند. تحقیق حاضر با هدف مرور و جمع‌بندی مقالات علمی و پژوهشی فارسی در حوزه آموزش مهاجران در ایران، و شناسایی شکاف‌های تحقیقاتی در این زمینه انجام شد. پژوهش با استفاده از روش مروری و براساس چارچوب PRISMA انجام شد. جامعه پژوهش شامل تمامی مقالات منتشرشده طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در نشریات دارای درجه علمی-پژوهشی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود که در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی‌زبان پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، نورمگز و مگیران نمایه شده بودند. پس از اجرای جست‌وجوی نظام‌مند و اعمال معیارهای ورود و خروج، ۲۰ مقاله برای تحلیل نهایی انتخاب شد. در این مطالعات، ویژگی‌های کتاب‌شناختی مقالات و نشریات، روند زمانی انتشار، پراکنش جغرافیایی، موضوعات مورد مطالعه، رویکردهای نظری و روش‌شناختی، و ابزارهای گردآوری و تحلیل داده‌ها بررسی و جمع‌بندی شد. یافته‌ها نشان داد که نابرابری آموزشی، چالش‌های هویتی و مسائل مربوط به ادغام دانش‌آموزان مهاجر از پرتکرارترین موضوعات مورد بررسی بوده‌اند. در مقابل، ادبیات

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و سوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۵۵، صص ۱۰۰-۵۹

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

پژوهشی موجود با خلأهایی همچون تنوع محدود روش‌شناختی و داده‌ای، کمبود مطالعات تطبیقی و رویکردهای حساس به تنوع، محدودیت در تنوع رشته‌ای و جغرافیایی، فقدان مطالعات ارزیابی و پیامدسنجی، کمبود پژوهش درباره مدارس خودگردان و بین‌المللی، و فقدان مطالعات تاریخی، نسلی و بین‌کشوری مواجه است. همچنین، نقش کمک‌ها و همکاری‌های بین‌المللی در آموزش مهاجران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. براین اساس، توسعه تنوع روش‌شناختی، جغرافیایی و رشته‌ای و گسترش مطالعات تطبیقی، ارزیابی و پیامدسنجی می‌تواند به تعمیق دانش موجود درباره آموزش مهاجران در ایران کمک کند.

واژگان کلیدی: آموزش مهاجران، پناهندگان، اتباع، دانش‌آموزان افغانستانی، مهاجران افغانستانی.

۱. مقدمه

پدیده مهاجرت‌های بین‌المللی از موضوعات پربحث در جوامع مدرن است. این مهاجرت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش هستند، به‌طوری‌که بعضی محققان، عصر جدید را "عصر مهاجرت" نامیده‌اند (شیلدکراوت^۱، ۲۰۱۰). عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی، اعم از مسائل اقلیمی یا جنگ، موجب مهاجرت‌های مقطعی یا طولانی‌مدت در مقیاس‌های کوچک و بزرگ می‌شوند. مهاجران بین‌المللی به‌دلیل وضعیت نامساعد کشور مبدأ یا فرصت‌ها و جاذبه‌های کشور مقصد، رنج مهاجرت را بر خود هموار می‌کنند. درعین حال، این مهاجران نه تنها از جامعه مقصد متأثر می‌شوند، بلکه تأثیرات وسیعی بر ابعاد مختلف جامعه مقصد می‌گذارند. جوامع مقصد می‌کوشند با سیاست‌های مهاجرتی خود در جذب و ادغام مهاجران، از فرصت‌های حضور آن‌ها بهره‌مند شوند و مزایای حضور ایشان را برای کشور خود بیشینه کنند، ضمن اینکه پیامدهای منفی این حضور را کمینه سازند. کشورهای توسعه‌یافته عمدتاً می‌کوشند با انواع سیاست‌های مهاجرتی، مهاجرت مهاجران مزیت‌دار را تسهیل کنند و تا حد امکان مانع از مهاجرت افرادی شوند که مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تازه‌ای برای کشور مقصد ایجاد می‌کنند یا به مسائل موجود

1. Schildkraut

دامن می‌زنند. بخشی از این سیاست‌ها نیز ناظر به ادغام مهاجران در جامعه مقصد است. از این رو، شناخت نظام‌مند و شواهدمحور از وضعیت مهاجران در جوامع مقصد می‌تواند مبنای مناسبی برای سیاست‌گذاری و اجرا باشد (کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۱، ۲۰۲۱؛ سازمان بین‌المللی مهاجرت^۲، ۲۰۲۱).

باتوجه به اهمیت مهاجرت‌های بین‌المللی به‌طور عام در جهان امروز و به‌طور خاص در ایران، بررسی وضعیت دسترسی مهاجران به آموزش و چالش‌های آن حائز اهمیت است. علی‌رغم اینکه آموزش کودکان پناهنده حقی است که در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده، آموزش اغلب به‌دلیل جابه‌جایی اجباری مختل می‌شود. آمار اخیر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) میزان این اختلال را آشکار می‌کند: تخمین زده می‌شود که ۶۳٪ از پناهندگان در مدارس ابتدایی ثبت‌نام کرده‌اند، درحالی‌که این رقم برای کودکان در سطح جهانی ۹۱٪ است. همچنین، حدود ۲۴٪ از پناهندگان در مدارس متوسطه ثبت‌نام کرده‌اند، درحالی‌که این رقم برای کودکان در سطح جهانی ۸۴٪ است (یونسکو^۳، ۲۰۱۹). علاوه‌براین، چالش‌های متعدد آموزش پناهندگان به‌خوبی مستند شده‌اند، از جمله کمبود منابع آموزشی، محدودیت در دسترسی به مدارس، کلاس‌های درس شلوغ و معلمان آموزش‌ندیده (اشلی و همکاران، ۲۰۲۰). در شرایط کنونی ایران نیز فراهم کردن آموزش برای مهاجران با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. نکته مفروض گفته‌شده یا ناگفته بسیاری از مدیران، سیاست‌گذاران و حتی شهروندان عادی این است که حضور مهاجران می‌تواند تهدیدآمیز یا مشکل‌آفرین باشد. از سوی دیگر، برخی پژوهشگران بر این باورند که مدل ادغام، موفق‌ترین مدل انطباق‌پذیری مهاجران در جوامع میزبان است. به گفته دهدار (۱۴۰۱) شاخص‌های عملکرد تحصیلی دانش‌آموزانی که در مدارس متکثر (با دانش‌آموزانی از نژادها،

1. UNHCR

2. IOM

3. UNESCO

فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف) تحصیل می‌کنند، به‌مراتب بهتر از مدارس تک‌قومیتی و غیرمتکثر است. با این حال، برخی متون پژوهشی تأکید می‌کنند که موفقیت برنامه ادغام (فراگیرسازی) به عوامل زمینه‌ای خاص، مانند سطح آموزش معلمان، منابع مدرسه، پشتیبانی زبانی و مشارکت فعال خانواده‌ها و جوامع بستگی دارد (بالزونل^۱ و همکاران، ۲۰۲۴؛ اسمیت^۲، ۲۰۲۴؛ برنتسن^۳ و همکاران، ۲۰۲۵). درواقع اجماع جهانی وجود ندارد که برنامه ادغام همیشه بهترین یا تنها مدل باشد؛ بلکه رویکردهای انعطاف‌پذیر و مبتنی بر نیاز که شیوه‌های ادغام را با حمایت هدفمند ترکیب می‌کنند، توصیه می‌شوند (فاندرم^۴ و همکاران، ۲۰۲۲؛ گونزالس-فالكون^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). این یافته‌ها ضرورت تحقیقات جدی در زمینه چالش‌های آموزشی و مدل‌های اثربخش آموزش مهاجران در بافت‌های فرهنگی مختلف ازجمله ایران را نشان می‌دهد.

باتوجه به این مسائل و مهاجرت‌های گسترده در سال‌های اخیر از یک‌سو و مسئله آموزش مهاجران در کشورهای مهاجرپذیر، پژوهش‌های مروری در سال‌های اخیر در مجلات علمی انگلیسی‌زبان رو به افزایش بوده است (ازجمله جمال‌الدین^۶ و همکاران (۲۰۲۴)، برگ^۷ (۲۰۲۳) و موریس^۸ (۲۰۲۱)). این در حالی است که باوجود مطالعات گسترده در فضای پژوهشی داخل ایران در یک دهه اخیر و انباشت پژوهش‌هایی که در حوزه آموزش مهاجران انجام شده است، چنین مقالاتی به چشم نمی‌خورد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد انتشار مقالات فارسی علمی-پژوهشی مرتبط با مهاجرت و خصوصاً آموزش مهاجران در طی دهه اخیر، روندی صعودی داشته است.

1. Bolzonella

2. Smythe

3. Berntsen

4. Fandrem

5. González-Falcón

6. Jamaludin

7. Berg

8. Morrice

براین اساس، این مقاله به بررسی نظام مند وضعیت آموزش مهاجران در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ براساس مقالات علمی-پژوهشی منتشر شده در مجلات مرتبط می‌پردازد. چنین بررسی‌ای با هدف بهبود و هدفمندتر شدن پژوهش‌های آتی انجام می‌شود و خلاءهای مطالعات قبلی و نیازهای علمی کنونی و پیش‌رو را صورت‌بندی می‌کند. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی چالش‌ها، دستاوردها و شکاف‌های پژوهشی در این حوزه است تا بتواند به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آینده در زمینه‌ی آموزش مهاجران مورد استفاده قرار گیرد. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- ویژگی‌های مقالات علمی-پژوهشی فارسی‌زبان در زمینه آموزش مهاجران چیست؟
- چه شکاف‌های تحقیقاتی در مقالات مرتبط به چشم می‌خورد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

آموزش مهاجران به عنوان یک موضوع کلیدی در سیاست‌های آموزشی و اجتماعی در سطح جهانی مطرح است. با افزایش مهاجرت و جابه‌جایی‌های جمعیتی، نیاز به برنامه‌های آموزشی که به نیازهای خاص مهاجران پاسخ دهند، بیش از پیش احساس می‌شود. اگرچه واژگان مهاجر، پناهنده و پناهجو غالباً به جای هم به کار می‌رود، اما تفاوت‌های حقوقی بین این‌ها وجود دارد. مهاجران غالباً «داوطلبانه» برای دستیابی به فرصت‌های بهتر جابه‌جا می‌شوند و تابع قوانین ملی کشورها برای پذیرش مهاجران و دریافت خدمات هستند، اما «پناهندگان» به دلیل آزار یا جنگ و خشونت در کشور مبدأ خود مجبور به گریز می‌شوند و تحت حمایت قوانین بین‌المللی (ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان) هستند. در کنار این دو واژه، اصطلاح «پناهندگان انبوه» یا «جابه‌جایی انبوه» وجود دارد که اگرچه اصطلاحات حقوقی رسمی نیستند، اما به جابه‌جایی تعداد زیادی از پناهنده اشاره می‌کنند که اغلب به دلیل درگیری مسلحانه، جنگ، خشونت، آزار و اذیت، نقض حقوق بشر، بلایا، حوادث مغل نظم عمومی به‌طور همزمان از یک کشور می‌گریزند و به کشورهای دیگر پناه می‌برند.

(UNHCR, ۲۰۲۴). در شرایط هجوم گسترده مردم نیازمند حمایت و کمک، کشورهای میزبان و سازمان‌های بین‌المللی برای ارائه خدمات پایه و عمومی به این جماعت با چالش جدی مواجه می‌شوند. برخی از پناهندگان ممکن است برای مدت کوتاهی مجبور به ترک کشور خود شده باشند، درحالی‌که برخی دیگر ممکن است به‌طور دائم کشور خود را ترک کرده باشند (جمال‌الدین و همکاران، ۲۰۲۴). در دهه‌های اخیر به دلیل وقوع جنگ‌های مکرر در منطقه خاورمیانه جریان‌های مهاجرتی و پناهندگی متعددی به کشورهای همسایه و اروپا شکل گرفت. ایران نیز یکی از میزبانان خیل عظیم مهاجران و پناهندگان از کشورهای همسایه خود (عمدتاً افغانستان، و در مرتبه بعدی عراق، و تعداد اندکی از سایر کشورها) بوده است. اگر از واژه مهاجر به‌طور عام برای پوشش مفهوم مهاجر داوطلب و پناهنده ناگزیر استفاده کنیم، می‌توان به‌طور کلی مشاهده کرد که مهاجرت نه تنها افرادی را که مهاجرت می‌کنند، بلکه جغرافیایی را که به آن مهاجرت می‌کنند نیز به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در راستای این تأثیر، مشکلات بزرگی در زمینه سازگاری با مکان مهاجرت وجود دارد. دریافت یا عدم دریافت آموزش که نتایج دوسویه و شدیدی دارد، تفاوت بزرگی ایجاد می‌کند. اول از همه، آموزش به‌عنوان پلی غیرقابل جایگزین در زمینه انسجام اجتماعی و ادغام عمل می‌کند. آموزشی که کودکان مهاجر دریافت می‌کنند، نه تنها به‌طور یک‌طرفه با توسعه فردی آن‌ها مرتبط است، بلکه نقش بزرگی در سازگاری و ادغام خانواده‌های مهاجر در جامعه ایفا می‌کند (تلساک^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

در این راستا، آموزش مهاجران به مجموعه‌ای از برنامه‌ها، سیاست‌ها و خدمات آموزشی اطلاق می‌شود که برای افراد غیرشهروند (مهاجران خارجی) در یک کشور ارائه می‌شود. این آموزش می‌تواند شامل دوره‌های رسمی (مانند مدارس ابتدایی، متوسطه و دانشگاه‌ها) و غیررسمی (مانند آموزش زبان، مهارت‌های شغلی و سوادآموزی) باشد. هدف اصلی این نوع آموزش، فراهم کردن

فرصت‌های برابر برای یادگیری، ارتقای سطح دانش و مهارت‌های اتباع خارجی و تسهیل ادغام آن‌ها در جامعه میزبان است (یونسکو، ۲۰۱۹). برطبق اسناد یونسکو (۲۰۱۹) آموزش یک حق اساسی است و باید برای همه، از جمله مهاجران و پناهندگان، در دسترس باشد. از دیدگاه حقوقی، آموزش مهاجران، فرآیند تضمین حق برخورداری از آموزش برای کلیه اتباع خارجی مقیم، صرف نظر از وضعیت اقامتی، ملیت و خاستگاه قومی است (کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، ۲۰۲۱). در اصل ۳۰ قانون اساسی ایران نیز بیان شده است دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد. علاوه‌براین، آموزش مهاجران به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان مهاجر در ایران، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی آن‌ها شناخته شده و در سال‌های اخیر با سیاست‌های حمایتی بیشتری همراه بوده است. این آموزش‌ها معمولاً شامل اتباع افغانستانی، عراقی و سایر گروه‌های مهاجر می‌شود که به دلایل مختلف (مانند جنگ، فقر یا مهاجرت کاری) در ایران سکونت دارند (کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، ۲۰۲۱).

در سال‌های اخیر، چندین پژوهش مروری مرتبط با آموزش پناهندگان در خارج از کشور منتشر شده است. این مقالات جریان علمی این حوزه را در فضای آکادمیک تحلیل کرده و شکاف‌های پژوهشی آن را نشان داده‌اند. جمال‌الدین و همکاران (۲۰۲۴) با هدف بررسی نیازهای آموزشی، چالش‌ها و راه‌حل‌های بالقوه برای کودکان پناهنده، ۱۰ مقاله منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ را تجزیه و تحلیل کردند. آن‌ها سه موضوع اصلی را شناسایی کردند: چالش‌های پیش روی کودکان پناهنده و معلمان آن‌ها، دسترسی به آموزش باکیفیت، و طرح‌های آموزشی پایدار برای کودکان پناهنده. چالش‌های شناسایی شده در آموزش کودکان پناهنده شامل جابه‌جایی‌های مکرر، تروما، موانع زبانی و محدودیت‌های آموزشی بود. علاوه‌براین، معلمان این کودکان نیز با چالش‌های منحصربه‌فردی مواجه بودند، از جمله سازگاری با زمینه‌های فرهنگی و زبانی متنوع، رسیدگی به نیازهای مرتبط با آسیب‌های روانی و سلامت روان، و هدایت چارچوب‌های پیچیده اداری و سیاستی

مرتبط با کودکان پناهنده. محققان بیان می‌کنند که دسترسی به آموزش باکیفیت همچنان یک نگرانی مهم است، زیرا نابرابری‌ها به دلیل وضعیت اجتماعی-اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و نابرابری‌های سیستمی ادامه دارد. آن‌ها معتقدند که تلاش در زمینه آموزش پایدار می‌تواند در کاهش چالش‌های آموزش پناهندگان مؤثر باشد، زیرا بر فراگیری، حساسیت فرهنگی و مشارکت جامعه تأکید می‌کند. درنهایت، محققان مؤلفه‌های کلیدی آموزش پایدار برای کودکان پناهنده را شامل دسترسی به مدارس باکیفیت، آموزش معلمان، حمایت روانی-اجتماعی و آموزش زبان می‌دانند.

از دیگر تحقیقات مروری در حوزه آموزش پناهندگان، مطالعه برگ (۲۰۲۳) است که نشان داد در سال‌های اخیر، فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه آموزش عالی برای پناهندگان رشد قابل توجهی داشته است که می‌تواند اطلاعات مهمی هم برای سیاست‌گذاران و هم برای اجرا فراهم کند. برگ با استفاده از روش مرور یکپارچه، ۱۰۴ مقاله منتشرشده بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ را بررسی کرد. این مقاله ابتدا تغییرات ساختاری در ادبیات تحقیق را ارائه می‌دهد، مانند افزایش تمرکز بر آلمان و ترکیه پس از هجوم درخواست‌های پناهندگی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶. علاوه بر این، محقق به چالش‌های شخصی، نهادی و ساختاری که پناهندگان در تحقق اهداف آموزش عالی خود با آن‌ها مواجه هستند، اشاره می‌کند. درنهایت، او به تلاقی چالش‌های متعدد از یک سو و منافع و نیازهای ناهمسوی سیاست‌گذاران، مؤسسات آموزش عالی و پناهندگان از سوی دیگر می‌پردازد که توسعه خدمات حمایتی کافی را تهدید می‌کند.

موریس (۲۰۲۱) نیز در یک مرور انتقادی، وضعیت آموزش مادام‌العمر پناهندگان را بررسی کرده است. از دید او از سال ۲۰۱۰، آموزش و پرورش یکی از اولویت‌های استراتژیک جهانی آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد بوده است، اما اگرچه آموزش ابتدایی و تاحدی متوسطه به رسمیت شناخته شده، به نقش یادگیری مادام‌العمر برای پناهندگان بسیار کندتر توجه شده است. موریس ساختارها و چارچوب‌هایی برای یادگیری پسااستعماری ارائه می‌دهد. به گفته وی علی‌رغم تعهدات جهانی، تحقق یادگیری مادام‌العمر برای جوانان و بزرگسالان پناهنده احتمالاً برای مدتی به دلیل

مفروضات هنجاری که به طور قاطع در مفهوم سازی یادگیری مادام العمر و چارچوب های آموزشی دولت ها گنجانده شده اند، ناامیدکننده باقی خواهد ماند. با این حال، او استدلال می کند که اختلالات جهانی اخیر در آموزش و نابرابری هایی که توسط کووید-۱۹ آشکار شده اند، فرصتی برای بازنگری در نحوه مفهوم سازی آموزش و ایجاد فرصت های یادگیری مادام العمر برای توانمندسازی جوانان و بزرگسالان در جهت تحقق خواسته های شان فراهم کرده اند.

مرونی و ولاسکو (۲۰۲۳) یک مرور چتری^۱ اجرا کردند تا اثربخشی استراتژی های مبتنی بر مدرسه و مداخلات با رویکرد مدرسه سلامت محور^۲ را بر نتایج تحصیلی و سلامت کودکان و جوانان در سن مدرسه را بررسی کنند. این مطالعه براساس بیانیه پریزما^۳ مقاله را تحلیل کرد. هجده استراتژی شناسایی و براساس شش مؤلفه رویکرد کل نگر^۴ دسته بندی شد: مهارت های فردی، محیط فیزیکی مدرسه، محیط اجتماعی مدرسه، سیاست های مدرسه، خدمات سلامت و اجتماعی و ارتباطات با جامعه. استراتژی هایی مرتبط با پنج مورد از شش مؤلفه شناسایی شدند که نشان داد رویکرد کل نگر چارچوبی مناسب برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان مهاجر است. طبق یافته ها مداخلات چندمؤلفه ای و مشارکت ذی نفعان تأثیرات مداخله را بهبود می بخشد، اما اهمیت تطبیق فرهنگی نیاز به بررسی بیشتری دارد.

مرور ادبیات حاضر نشان می دهد آموزش مهاجران و پناهندگان به عنوان یک موضوع کلیدی در سیاست های آموزشی و اجتماعی در سطح جهانی مطرح است. با افزایش مهاجرت و جابه جایی های جمعی، نیاز به برنامه های آموزشی که به نیازهای خاص مهاجران پاسخ دهند، بیش از پیش احساس می شود. مطالعات انجام شده در این حوزه، چالش ها و فرصت های متعددی را در زمینه آموزش مهاجران شناسایی کرده اند، از جمله موانع زبانی، فرهنگی، اقتصادی و اداری. با این حال، پژوهش ها

1. Umbrella Review

2. HPS

3. PRISMA 21

4. HPS

همچنین نشان می‌دهند که آموزش مهاجران نه تنها یک ضرورت اجتماعی و اخلاقی است، بلکه می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و پرورش در جامعه میزبان نیز کمک کند. در ایران، آموزش مهاجران به ویژه برای کودکان و نوجوانان مهاجر، به عنوان یکی از حقوق اساسی آن‌ها شناخته شده و در سال‌های اخیر با سیاست‌های حمایتی بیشتری همراه بوده است. با این وجود، چالش‌هایی مانند نگرش‌های منفی، کمبود منابع و موانع اداری همچنان وجود دارند که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق‌تر هستند. مرور ادبیات حاضر همچنین نشان می‌دهد که شکاف‌های پژوهشی قابل توجهی در این حوزه وجود دارد، از جمله کمبود مطالعات طولی، بررسی تأثیرات بلندمدت آموزش مهاجران و تحلیل سیاست‌های آموزشی در سطوح مختلف. به علاوه، به دلیل اینکه پژوهش‌ها درباره آموزش مهاجران در ایران عموماً به فارسی و در مجلات فارسی زبان منتشر شده، فقدان یک مطالعه مروری احساس می‌شود.

لازم به توضیح است که گردآوری و آنالیز مقالات در این پژوهش، مقید به چارچوب نظری خاصی نشد؛ زیرا حوزه پژوهشی آموزش مهاجران و پناهندگان در ایران نسبتاً نوظهور است و پژوهش‌های مروری در مورد موضوعات نوظهور عمدتاً جنبه اکتشافی و توصیفی و شناخت خلاءهای پژوهشی داشته و در صدد نظریه‌سازی یا بسط نظریه نبوده است و از این رو نیاز به چارچوب نظری ندارد (شیائو و واتسون^۱، ۲۰۱۹). هدف این مطالعه ارائه تصویری کلی از حوزه و مروری است بر آنچه تاکنون انجام شده. از این رو استخراج داده‌های گسترده‌ای مانند روش‌شناسی، پراکنش، یافته‌ها، روندها و خلاءها مد نظر قرار گرفته است.

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از رویکرد مروری براساس چارچوب PRISMA (موهر و همکاران^۱، ۲۰۰۹) برای بررسی مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در حوزه آموزش مهاجران در ایران استفاده شد. گزینش و مرور منابع در این رویکرد تابع گام‌های مشخص روش‌شناختی است که هدف آن کسب فهم جامع‌تر از تحقیقات انجام شده در یک حوزه، ارزیابی تحقیقات در بازه زمانی مشخص و شناسایی زمینه‌های مغفول و شکاف‌های تحقیقاتی در آن حوزه است. چارچوب PRISMA با ارائه ساختاری منظم، شفافیت و تکرارپذیری فرآیند مرور را تضمین می‌کند و امکان ارزیابی نقاط قوت و ضعف مطالعات را فراهم می‌سازد.

۱.۳. معیارهای ورود

- معیار زمانی: از لحاظ زمانی مقالاتی مورد بررسی قرار گرفت که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ منتشر شده بودند.

- معیار محتوایی: مقالات باید به بررسی آموزش اتباع خارجی و مهاجران در بستر نظام آموزشی ایران پرداخته باشند. کلیدواژه‌های جستجو شامل «اتباع خارجی، آموزش اتباع، آموزش پناهندگان، آموزش مهاجران، آموزش کودکان مهاجر، آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان اتباع، آموزش رسمی و غیررسمی اتباع، سیاست‌های آموزشی اتباع، چالش‌های آموزش اتباع، کودکان افغانستانی در ایران، آموزش و پرورش اتباع، آموزش عالی اتباع» بودند که در عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها یا متن مقالات جستجو شدند.

- معیار اصالت: مقالاتی بررسی شد که در مجلاتی منتشر شده باشند که دارای درجه علمی پژوهشی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باشند.

معیارهای خروج شامل مقالاتی بودند که: الف- خارج از بازه زمانی مشخص شده منتشر شده بودند، ب- به موضوع آموزش مهاجران در ایران مرتبط نبودند، یا ج- در مجلات غیرعلمی-پژوهشی

1. Moher et al.

منتشر شده بودند. علاوه بر این، گزارش های موردی، پایان نامه ها، مقالات بدون چکیده و منابعی که معیارهای ورود را نداشتند، نیز حذف شدند.

۳.۲. استراتژی جستجو

جست و جوی سیستماتیک در پایگاه های اطلاعاتی فارسی زبان علمی-پژوهشی شامل پرتال جامع علوم انسانی، SID، نورمگز و مگیران صورت گرفت. همچنین جست و جوی هدفمند به طور مجزا در سایت مجلات حوزه آموزش مهاجران همچون اندیشه های نوین تربیتی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، پژوهش های برنامه درسی، جامعه شناسی معاصر، جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، راهبردهای اجتماعی فرهنگی، مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، و ... نیز انجام شد.

۳.۳. فرآیند گزینش و انتخاب مقالات

فرآیند گزینش مقالات مطابق با چهار مرحله PRISMA انجام شد:

- شناسایی: در مجموع، ۵۰ مقاله از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی و مجلات تخصصی شناسایی شدند.

- غربالگری: پس از حذف مقالات تکراری (۵ مقاله)، ۴۵ مقاله برای بررسی عنوان و چکیده غربال شدند.

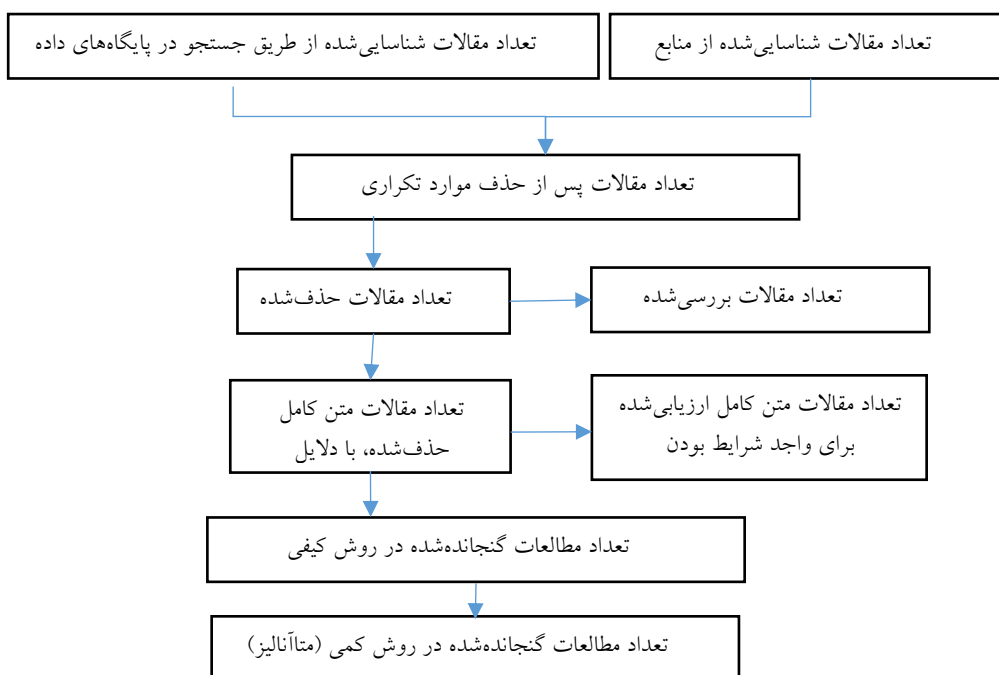
- واجد شرایط بودن: از این تعداد، ۳۰ مقاله برای بررسی متن کامل انتخاب شدند. مقالاتی که به موضوع آموزش مهاجران در ایران مرتبط نبودند یا در مجلات غیر علمی-پژوهشی منتشر شده بودند، حذف شدند.

- گنجاندن: در نهایت، ۲۰ مقاله علمی-پژوهشی که معیارهای ورود را برآورده می کردند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

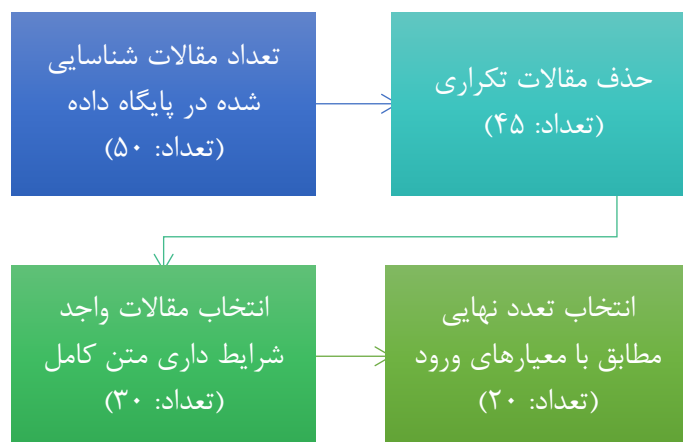
۳.۴. استخراج و تحلیل داده ها

داده ها از مقالات منتخب با استفاده از روش فیش برداری استخراج شدند. در مرور متن و محتوای مقالات منتخب، ویژگی های صوری و شناختاری و ویژگی های محتوایی استخراج و توصیف شدند.

ارزیابی انتقادی مقالات به صورت فرایند سازمان یافته و به منظور تعیین نقاط ضعف و قوت آنها انجام شد تا میزان سهم آنها در حوزه آموزش مهاجران مشخص شود. برای اطمینان از کیفیت تحلیل، معیارهای ارزیابی انتقادی آویارد (۱۳۹۰) به کار گرفته شد.



شکل ۱. فرایند استخراج بر مبنای PRISMA



شکل ۲: فرایند گزینش مقالات مطابق با چهار مرحله PRISMA

منبع: (موهر و همکاران، ۲۰۰۹)

۵.۳. ویژگی‌های صوری مقالات

برای توصیف ویژگی‌های صوری، مشخصات مقالات، مشخصات نویسندگان و روش‌شناسی مقالات احصا شد. متغیرهای مزبور در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های صوری مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

ویژگی‌های صوری	انواع	توصیف مقولات
مشخصات مقالات	بازه زمانی انتشار مقالات	۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲
	فراوانی مجلات	مجلات دارای بیشترین مقاله در حوزه آموزش کودکان مهاجر
	پراکنش جغرافیایی مقالات	شهر، روستا، کشور، بین‌المللی
مشخصات نویسندگان	جنسیت نویسندگان	فراوانی زن - مرد / نویسنده مقالات زن - مرد - ترکیبی
	فراوانی نویسندگان	تعداد نویسندگان مشارکت‌کننده در مقالات

ویژگی‌های صوری	انواع	توصیف مقولات
	حوزه مطالعاتی نویسندگان	حوزه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، مدیریت، و ...
روش‌شناسی مقالات	روش تحقیق	کمی - کیفی - ترکیبی
	منبع داده‌ها	اولیه - ثانویه - ترکیبی
	ابزار گردآوری داده‌ها	پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک و ...
	واحد مشاهده	دانش آموز، مدیر، معلم، نخبگان، و ..
	شیوه نمونه‌گیری	احتمالی - غیراحتمالی - تمام شماری - ترکیبی
	آزمون‌های آماری	رگرسیون، مقایسه میانگین‌ها، پی‌رسون، همبستگی، پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، تحلیل محتوا و

۴. یافته‌های پژوهش

خلاصه تحقیقات مرور شده در این پژوهش در جدول (۱) طبقه‌بندی و ارائه شده است. در ادامه نیز مشخصات مجلات، مقالات، بازه زمانی انتشار مقالات، پراکنش جغرافیایی مطالعات، مشخصات نویسندگان جمع‌بندی شده. همچنین ابعاد روشی و نظری مقالات دسته‌بندی شده است.

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی با جامعه آماری مهاجران افغانستانی در ایران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

ردیف	محققان	سال	نتیجه تحقیق
مسائل، آسیب‌ها و چالش‌های دانش‌آموزان مهاجر			
۱	خدابخشی و همکاران	۱۳۹۰	بالا بودن پرخاشگری دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی، بیشتر بودن پرخاشگری پسران نسبت به دختران، خشونت بیشتر خانواده‌های مهاجر، رایج بودن پرخاشگری جسمانی در بین والدین مهاجر
۲	نصراصفهانی و حسینی	۱۳۹۵	موانعی از قبیل فقدان توان مالی پرداخت شهریه، مقاومت مردم محلی، الزام به ترک کشور پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، عدم امکان اشتغال با مدرک تحصیلی، عدم ثبت نام اتباع غیرمجاز در مدارس، تحصیل عده معدودی در مدارس خودگردان، شکل‌گیری نسلی کم‌توان، کم‌مهارت و کم‌سواد ایجاد مخاطره برای امنیت ملی کشور

ردیف	محققان	سال	نتیجه تحقیق
مسائل، آسیب‌ها و چالش‌های دانش‌آموزان مهاجر			
۳	محللاتی و ابوالمعالی	۱۳۹۵	رابطه معنادار میان ملیت، نوع مدرسه و جنسیت بر عملکرد و سازگاری تحصیلی، بالا بودن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی در مدارس تک‌ملیتی، عملکرد ضعیف‌تر پسران، رضایت از تحصیل بالاتر در نزد دانش‌آموزان مهاجر، وضوح اهداف در دختران ایرانی در مدارس تک‌ملیتی بالاتر از پسران و دختران ایرانی و پسران مهاجر در مدارس چندملیتی، رضایت از محیط تحصیلی در بیشتر دانش‌آموزان مهاجر ناشی از عدم تبعیض و حمایت‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر مشارکت در مدرسه
۴	عیسی‌زاده و همکاران	۱۳۹۹	اثر مثبت و معنی دار مهاجرت به کشور ایران بر میزان فراگیری آموزش و مهارت‌های کار، اثر مثبت و معنی دار سطح سواد مهاجران بازگشته از کشور ایران بر نرخ اشتغال آنان در بازار کار افغانستان، اثر مثبت و معنی دار فرصت‌های فراگیری آموزش و مهارت برای مهاجران در کشور ایران بر نرخ اشتغال مهاجران بازگشته در بازار کار افغانستان، مهیا بودن فرصت‌های آموزش و مهارت برای مهاجرانی که به‌صورت قانونی مهاجرت کرده‌اند، رضایت از مهاجران بازگشته از کشور ایران از مهارت و فنی که در دوران مهاجرت آموخته‌اند،
تبعات امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی			
۵	بهنام‌فریمانی و همکاران	۱۴۰۱	دلایل بازماندگی از تحصیل کودکان افغانستانی: وجود فرهنگ سنتی و مذهبی خانواده، اضطراب ناشی از تجربه جنگ، زدن برچسب بزهکار به کودک از سوی مسئولان مدرسه، خارج شدن پدر از چرخه سرپرستی خانوار به علت اعتیاد و از کارافتادگی، وجود الگوهای ناموفق تحصیلی در ایران و الگوهای موفق غیرتحصیلی مهاجرت‌کننده به کشورهای اروپایی، عدم پذیرش در آزمون ورودی مدارس ایران به دلیل عدم تطابق تحصیلی بین ایران و افغانستان
۶	سنقری و همکاران	۱۳۹۳	نداشتن مهارت‌های اجتماعی در روابط خود، مقاومت خانواده در برابر تغییر، تجربه تبعیض، توهین، طرد شدن و برچسب‌های اجتماعی در جامعه
۷	خسروی و همکاران	۱۳۹۸	تعیین‌کننده‌های سازگاری دانش‌آموزان شامل تأکید والدین بر فرهنگ بومی، هویت ملی، احساس تعلق به ایران، رضایت‌مندی و محل تولد مادر

ردیف	محققان	سال	نتیجه تحقیق
مسائل، آسیب‌ها و چالش‌های دانش‌آموزان مهاجر			
۸	موسوی و همکاران	۱۳۹۹	مشکلات زبانی، تفاوت‌های مذهبی، برخورد تبعیض‌آمیز سایر دانش‌آموزان، برخورد تبعیض‌آمیز معلمان، عدم درگیری والدین در آموزش، تحصیلات اندک والدین، عدم ارتباط و سازگاری با محتوای درسی، ترک تحصیل، وقفه در تحصیلات، فقدان مهارت‌های شناختی، فقدان آمادگی و عدم گذراندن دوره پیش‌دستانی، مشکلات جایابی، فقدان مدارک هویتی، ثبت‌نام سلیقه‌ای، فقدان چشم‌انداز تحصیلی، زندگی متحرک مهاجران، بزهکاری، مشکلات پوششی و ظاهری، انزوا، تلقی دانش‌آموزان افغانی به عنوان شهروندان درجه‌دو، نارضایتی والدین ایرانی، هزینه تحصیلات، فقر و کودک کار.
۹	کوشکی و همکاران	۱۳۹۹	خشونت نمادین نسبت به دانش‌آموزان از جمله خشونت زبانی، خشونت هویت اجتماعی و فرهنگی و خشونت از طریق تبعیض اجتماعی
۱۰	علیزاده‌نیری و همکاران	۱۴۰۲	تعیین‌کنندگی سازوکارهای ساخت دیگری برای روند ادغام مهاجران و حفظ نظم و امنیت اجتماعی؛ تعیین‌کنندگی این سازوکارها برای موفقیت سیاست مهاجرتی آینده؛ ایران؛ رایج بودن «دیگری» مهاجر در گفتمان‌های سیاسی؛ سازوکارهای اقتصادی شامل: اشتغال با دستمزد کمتر، عدم آموزش ایمنی، و... سازوکارهای فرهنگی شامل برچسب خارجی یا بیگانه، برچسب مجرم یا غیرقانونی، تعمیم جرم به تمام مهاجران، عدم امکان معرفی صحیح مهاجران به مردم ایران، انگ زنی به خاطر ظاهر فیزیکی توهمین نژادپرستانه و...؛ ایجاد موانع ادغام موفق مهاجران در جامعه، ساخت اجتماعی مهاجر به عنوان دیگری برای حکومت و..
۱۱	بشیر و مصطفوی	۱۳۹۹	احساس مثبت دانشجویان از نظر ارتباطات میان فرهنگی در محیط دانشگاه، بالا رفتن سطح آگاهی، تقویت مدیریت اضطراب در مواجهه با ایرانی‌ها
۱۲	سعیدی و فلاحی	۱۳۹۹	موانع ورود به دانشگاه شامل سختی مضاعف کنکور به علت شهرها و رشته‌های ممنوعه، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه دانشجویان بین‌المللی، چالش‌های بوروکراتیک انتقال از نهاد آموزش و پرورش به نهاد آموزش عالی، ضعف اطلاع‌رسانی و نبود وحدت رویه در سیاست‌گذاری‌های موجود در حوزه مهاجران، تأثیر روابط سیاسی دو کشور و معادلات منطقه‌ای بر نهاد دانشگاه، چالش شهریه، ابهام در بورسیه‌های

ردیف	محققان	سال	نتیجه تحقیق
مسائل، آسیب‌ها و چالش‌های دانش‌آموزان مهاجر			
			تحصیلی، تأثیر قانون تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران در ریزش سهم دختران در آموزش عالی
۱۳	رمضانی‌بدر و همکاران	۱۴۰۰	موانع وضعیت تحصیلی مناسب دانشجویان شامل نگرانی‌های شغلی، موانع یادگیری مؤثر، مدیریت امور تحصیلی حمایتی و امور مهاجرت تحصیلی، اعتبار دانشگاه محل تحصیل، مدارک دانش‌آموختگی، محتوای آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، سنجش و ارزشیابی، استرس زبان خارجی، سازماندهی امور اداری-آموزشی، امور پشتیبانی و زیرساخت‌های یادگیری الکترونیک، فرهنگ سازمانی بین‌المللی‌سازی، امور رفاهی-اجتماعی دانشجویان، امور کنسولی (موانع گذرنامه تحصیلی)، امور مالی بانکی و ارزی، ضعف در زبان فارسی، فرهنگ سازمانی بین‌المللی‌سازی، سازماندهی امور اداری-آموزشی و امور رفاهی-اجتماعی دانشجویان در سایر دانشگاه‌های داخل و خارج کشور.
۱۴	عرب‌شیراز و همکاران	۱۴۰۱	عدم مدیریت تنوع فرهنگی منجر به بروز آسیب‌های تحصیلی، اجتماعی، فردی و محیطی دانش‌آموزان مهاجر
تعاملات و ارتباطات مهاجران با جامعه میزبان			
۱۵	صادقی‌فسایی و نظری	۱۳۹۵	دریافت برجسب افی (افغانی)، انتخاب استراتژی فاصله‌گیری، تصور از ایرانی به‌عنوان دیگری، خودبرترین، ضدافغانی و عموماً مشتمل بر بی‌اعتمادی
۱۶	کریمی‌زاده و همکاران	۱۴۰۱	تحقیق دانش‌آموزان افغانستانی، رفتارهای تبعیض آمیز برخی معلمان نسبت به دانش‌آموزان افغانستانی، خودسانسوری، وجود دو دستگی میان دانش‌آموزان، به حاشیه رانده شدن، درجه دوم تلقی شدن، دیده نشدن و سکوت اجباری در میان دانش‌آموزان افغانستانی
۱۷	سعیدی	۱۳۹۹	تأثیر منفی اضطراب اجتماعی کرونا در تقاطع با ملیت، جنسیت و طبقه، فربه شدن نابرابری آموزشی و جنسیتی در زیست روزمره مهاجران، مهم‌ترین تغییر مثبت ناشی از موقعیت کرونا: مرئی شدن حضور مهاجران در سطح افکار عمومی و عرصه سیاست‌گذاری در جهت تسهیل زمینه‌های ادغام ساختاری مهاجران

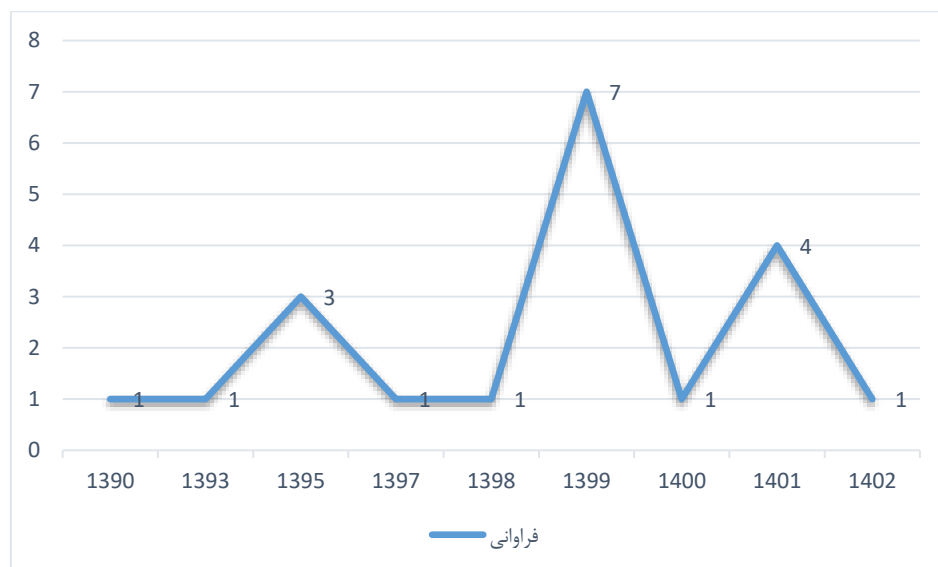
شماره یکم آموزش پناهندگان و مهاجران در ایران: یک مطالعه... ۷۷			
ردیف	محققان	سال	نتیجه تحقیق
مسائل، آسیب‌ها و چالش‌های دانش‌آموزان مهاجر			
۱۸	خیری و رحیمی	۱۳۹۷	تفاوت هویتی نسل اول و دوم مهاجران افغانی، تغییر فرهنگ قوم هزاره در دو نسل در بخش‌های مختلف هویت ملی، دینی- مذهبی، هنجاری رفتاری
۱۹	بشیر و کشانی	۱۳۹۸	کم‌توجهی، تحقیر و نگاه از بالا به پایین، انتخاب رویکرد سازش توسط نسل سوم
راهبردهای مواجهه با حضور دانش‌آموزان مهاجر ^۱			
۲۰	موسوی و همکاران	۱۴۰۱	تدوین برنامه درسی چندفرهنگی، تدوین برنامه درسی تلفیقی، آگاه‌سازی فرهنگی، احترام به تفاوت‌ها، پذیرش دیگری، انکار تفاوت‌های فرهنگی، سرکوب تفاوت‌های فرهنگی
۲۱	کوشکی و همکاران	۱۳۹۹	برگزاری کارگاه‌های آموزشی و درمانی همچون آگاه‌سازی مهاجران از تبعات خشونت، ارائه مشاوره و روان‌درمانی به کودکان دارای آسیب‌های روانی
۲۲	خسروی و همکاران	۱۳۹۸	اجرای برنامه‌های آموزشی به‌منظور آشنایی بیشتر با فرهنگ جامعه میزبان، تعامل بیشتر مهاجران با گروه‌های غیرمهاجر

۴.۱. مشخصات مجلات و مقالات

۴.۱.۱. بازه زمانی انتشار مقالات

بررسی مقالات منتشر شده با محوریت آموزش کودکان مهاجران انتشار از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهد در این مدت ۲۰ مقاله در نشریه‌های علمی - پژوهشی داخلی به چاپ رسیده است. شکل (۳) نشان می‌دهد روند چاپ مقالات در حوزه آموزش مهاجران در مجلات علمی پژوهشی داخلی روندی نوسانی بوده. این روند در سال ۹۹ به اوج رسیده است.

۱. مقاله‌های ردیف ۲۱ و ۲۲ که در این قسمت آورده شده شامل مقالاتی است که مشتمل بر «راهبرد» نیز بوده، اما در رده‌بندی‌های دیگری نیز در جدول طبقه‌بندی شده‌اند. به همین دلیل شماره ردیف‌های جدول به جای ۲۰ مورد مقاله، ۲۲ مورد است.



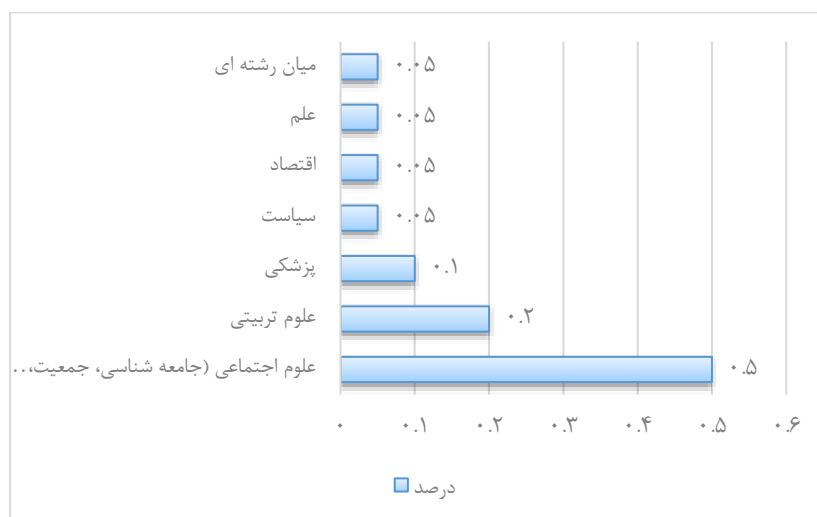
شکل ۳. سیر زمانی مقالات چاپ شده در حوزه آموزش مهاجران.

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴. ۱. ۲. مجلات

بیست مقاله مرور شده در حوزه آموزش مهاجران، در ۱۹ مجله علمی پژوهشی منتشر شده است. نتایج نشان داد در بین مجلات مورد بررسی فقط مجله مطالعات فرهنگی (۲ مقاله) دارای بیشترین مقاله و سایر فصلنامه‌ها (اسلام و مطالعات اجتماعی، اندیشه‌های نوین تربیتی، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، پژوهش‌های برنامه درسی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، ترویج علم، توسعه آموزش در علوم پزشکی، جامعه‌شناسی معاصر، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، راهبرد اجتماعی فرهنگی، مددکاری اجتماعی، مسائل اجتماعی ایران، مطالعات جمعیتی، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، نوآوری‌های آموزشی)، تنها یک مقاله در حوزه آموزش مهاجران به چاپ رسانده‌اند. مطابق

شکل شماره ۴، با ترکیب موضوعات مجلات، مشخص شد بیشترین مقالات، به ترتیب در مجلاتی با موضوع علوم اجتماعی (۱۰ مقاله)، علوم تربیتی (۴ مقاله)، پزشکی (۲ مقاله) بوده است.

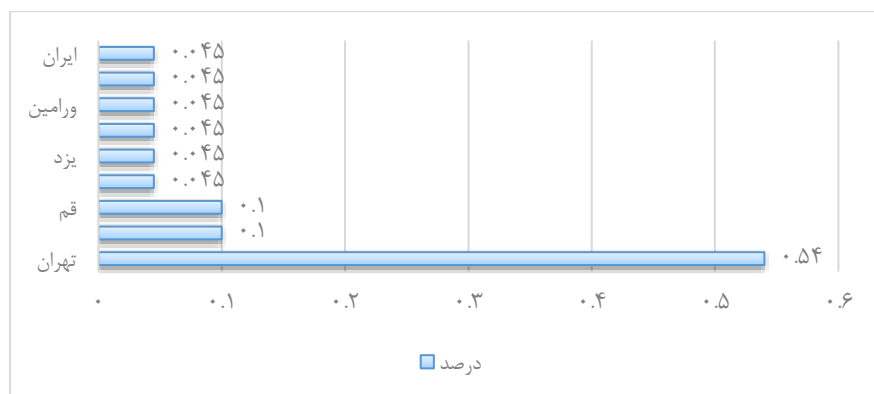


شکل ۴. تعداد مقالات با موضوع آموزش مهاجران در نشریات برحسب موضوع نشریات.

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۲.۴. پراکنش جغرافیایی مطالعات

مرور مقالات حوزه آموزش مهاجران با محوریت پراکنش جغرافیایی در بین شهرهای مورد بررسی نشان داد این مطالعات عمدتاً در شهر تهران (۱۲ مقاله، ۵۴ درصد) انجام شده است. در سایر شهرهای مورد بررسی مقالات، یک یا دو تحقیق در این باره انجام شده که شکل شماره ۵، پراکنش جغرافیایی مطالعات را نشان می‌دهد. یک تحقیق نیز با محوریت کلی مهاجران کشور ایران (۰.۰۵ درصد) انجام گرفته است.

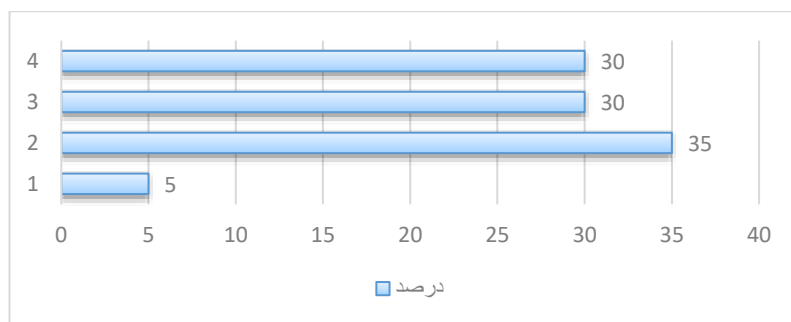


شکل ۵. پراکنش جغرافیایی مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۳. مشخصات نویسندگان

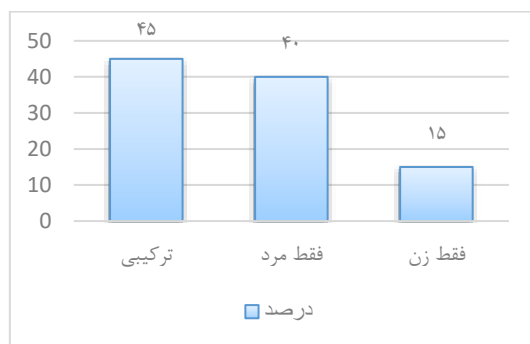
مشخصات و ویژگی‌های نویسندگان مقالات در قالب سه معیار تعداد، رشته تحصیلی و جنسیت نویسندگان بررسی شد. نتایج نشان داد بیش از ۹۵ درصد مقالات را چندین نویسنده تألیف کرده‌اند. از این تعداد، حدود ۳۵ درصد را دو نویسنده و ۳۰ درصد را سه یا چهار نویسنده تألیف کرده‌اند. تنها یکی از مقالات یک نویسنده دارد.



شکل ۶. تعداد نویسندگان مقالات

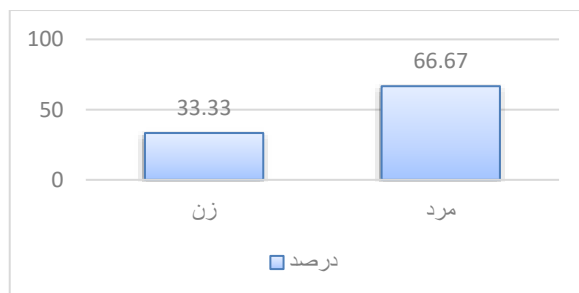
منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

نتایج نشان داد مؤلف دوسوم مقالات حوزه آموزش مهاجران مردان و مؤلف یک‌سوم مقالات زنان بوده‌اند. علاوه‌براین، توزیع جنسیتی پژوهشگران مقالات نشان داد ۴۰ درصد مقالات را مردان و حدود ۱۵ درصد مقالات را زنان، و ۴۵ درصد مقالات به‌صورت مشترک نگاشته شده است.



شکل ۷. ترکیب جنسیتی نویسندگان مقالات

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

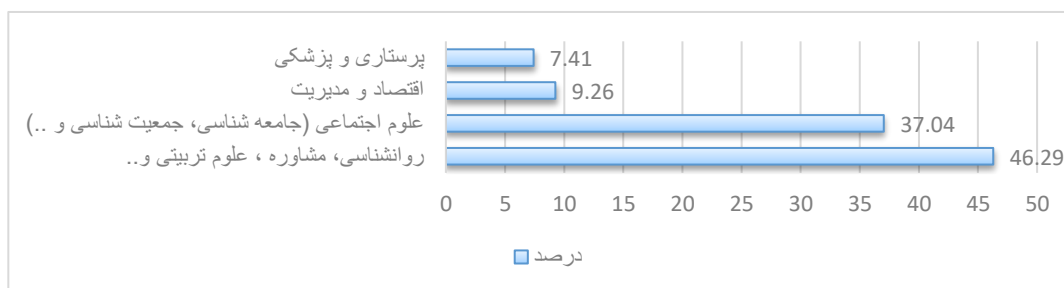


شکل ۸. جنسیت نویسندگان مقالات

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

یافته‌ها همچنین نشان داد نویسندگان با رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، علوم اجتماعی، مدیریت آموزشی و دولتی، اقتصاد، پرستاری و پزشکی نقش مهمی در نگارش مقالات در حوزه آموزش مهاجران داشته‌اند. چنان‌که شکل شماره ۹، نشان می‌دهد، پژوهشگران رشته روان‌شناسی و

علوم تربیتی (مشاوره، برنامه‌ریزی درسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی) (۴۶.۲۹ درصد) بیشترین سهم را در نگارش مقالات داشته‌اند. در رتبه‌های بعدی مؤلفانی از رشته‌های علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، ارتباطات، جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی و مددکاری اجتماعی) (۳۷.۰۴ درصد)، مدیریت دولتی و آموزشی و اقتصاد (۹.۲۶ درصد) قرار دارند. کم‌ترین سهم در نگارش مقالات در بین نویسندگان با رشته‌های پزشکی و پرستاری (۷.۴۱ درصد) است.



شکل ۹: حوزه مطالعاتی نویسندگان مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۴. بررسی ابعاد روشی و نظری مقالات

نتایج نشان داد حدود ۹۸ درصد مقالات محصول مطالعه تجربی و تنها ۲ درصد مقالات تأملات نظری نویسندگان بوده است. علاوه‌براین، محققان از کلیدواژه‌های متعددی در ارتباط با موضوع تحقیق در حوزه آموزش مهاجران استفاده کرده‌اند. بیشترین کلیدواژه‌هایی که محققان استفاده نموده‌اند مهاجرت با دو فراوانی و سایر کلیدواژه‌ها دارای یک فراوانی بوده است. سایر کلیدواژه‌ها در ابرواژه ذیل قابل مشاهده است.



منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

در مرحله دوم، کلیدواژه‌های مشابه براساس قرابت معنایی و باتوجه به محتوای تحقیقات، در یک دسته قرار داده شد و مجدداً ابرکلمات ایجاد شد که در شکل شماره ۱۱ قابل مشاهده است. براساس ابرکلمات جدید، بیشترین کلیدواژه‌هایی که محققان استفاده نموده‌اند عبارتند از: دانش‌آموزان افغانستان/افغانی؛ مهاجرین افغان هر کدام با ۳ فراوانی؛ تعامل و ارتباط، دیگری مهاجر، مهاجرت، نوع مدرسه هر کدام با دو فراوانی بودند و سایر کلیدواژه‌ها هر کدام یک بار به کار رفته بودند.



شکل ۱۱: کلیدواژه‌های ادغام شده مقالات حوزه آموزش مهاجران

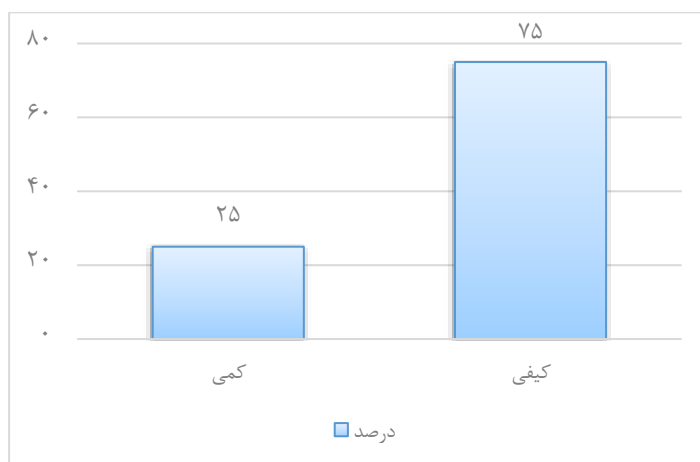
منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

٤.٥. روش تحقیق مقالات

مقالات در بعد روش‌شناختی در قالب ۵ معیار روش تحقیق، ابزار گردآوری داده‌ها، جامعه آماری و منابع داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

۴.۵.۱. روش تحقیق

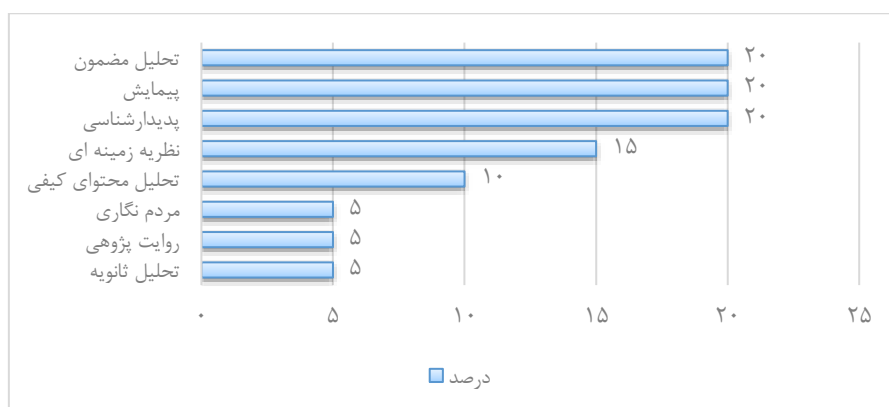
یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۵ مقاله به روش کمی (۲۵ درصد) و ۱۵ مقاله به روش کیفی (۷۵ درصد) انجام شده است.



شکل ۱۲. روش تحقیق مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

محققان و پژوهشگرانی که با رویکرد کمی تحقیق خود را اجرا کرده‌اند، اغلب از روش پیمایش (۲۰ درصد) و محققان با رویکرد کیفی از روش‌های تحلیل مضمون (۲۰ درصد)، پدیدارشناسی (۲۰ درصد) و نظریه زمینه‌ای (۱۵ درصد) استفاده نموده‌اند.



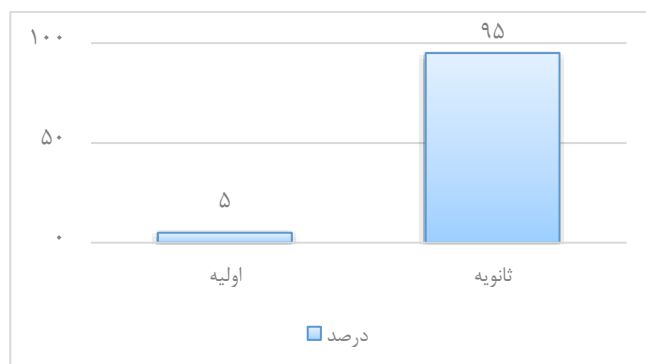
شکل ۱۳. روش تحقیق مقالات با موضوع آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۵.۲. ابزار گردآوری و تحلیل داده

۴.۵.۲.۱. منابع داده‌ها

نتایج نشان داد از ۲۰ مقاله مورد بررسی، ۱۹ مقاله (۹۵ درصد) از منابع اولیه از قبیل مراجعه به میدان، مصاحبه، مشاهده، استفاده از پرسشنامه استفاده کرده‌اند و تنها یک مقاله با مراجعه به داده‌ها و اسناد ثانویه از جمله بررسی اسناد و مدارک و گزارش‌های آماری (۵ درصد) داده‌های مورد نیاز را گردآوری کرده است

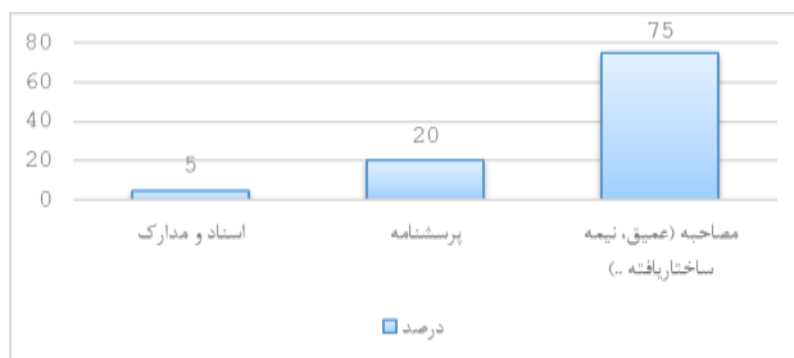


شکل ۱۴. منابع داده‌های تحقیق

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۵.۲.۲. ابزار گردآوری اطلاعات

مطابق یافته‌ها ۱۵ مقاله از مصاحبه (عمیق، نیمه‌ساختاریافته، ساختاریافته) برای گردآوری اطلاعات پژوهش استفاده کرده‌اند. در رتبه‌های بعدی، نویسندگان چهار مقاله از پرسشنامه (۲۰ درصد) و تنها یک مقاله (۵ درصد) از اسناد و مدارک برای گردآوری اطلاعات استفاده کرده است.

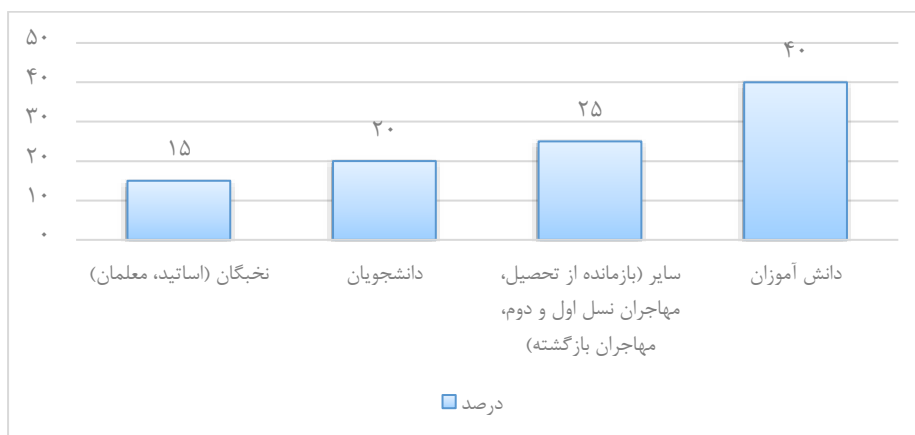


شکل ۱۵. ابزار گردآوری داده‌های مقالات

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۵.۲.۳. واحد مشاهده

بنابر نتایج، واحد مشاهده هشت مقاله (۴۰ درصد)، دانش‌آموزان و چهار مقاله (۲۰ درصد) نیز دانشجویان است. واحد مشاهده سه مقاله (۱۵ درصد) نخبگان شامل اساتید و معلمان مدارس، و واحد مشاهده ۵ مقاله (۲۵ درصد) سایر افراد از جمله مهاجران نسل اول و دوم، کودکان بازمانده از تحصیل و مهاجران بازگشته به افغانستان بوده است.

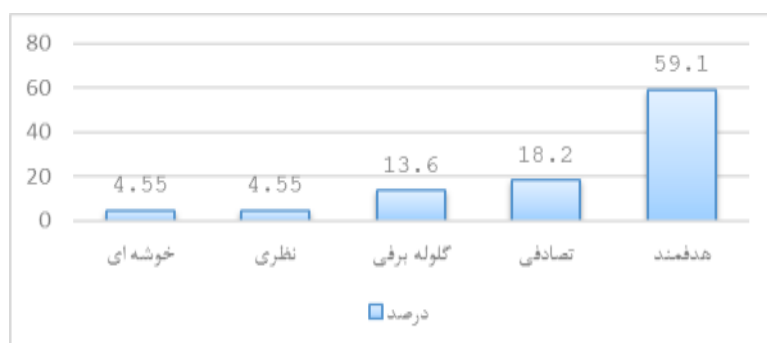


شکل ۱۶. واحد مشاهده مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۵.۲. شیوه نمونه‌گیری

طبق یافته‌ها، شیوه نمونه‌گیری ۱۵ مقاله غیراحتمالی (۹۵ درصد) و ۵ مقاله احتمالی (۵ درصد) بوده است. از بین مقالات مورد بررسی ۵۹.۱ درصد با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۸.۲ درصد از شیوه تصادفی، ۱۳.۶ درصد از نمونه‌گیری گلوله‌برفی و ۴.۵۵ درصد از نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده کرده‌اند.



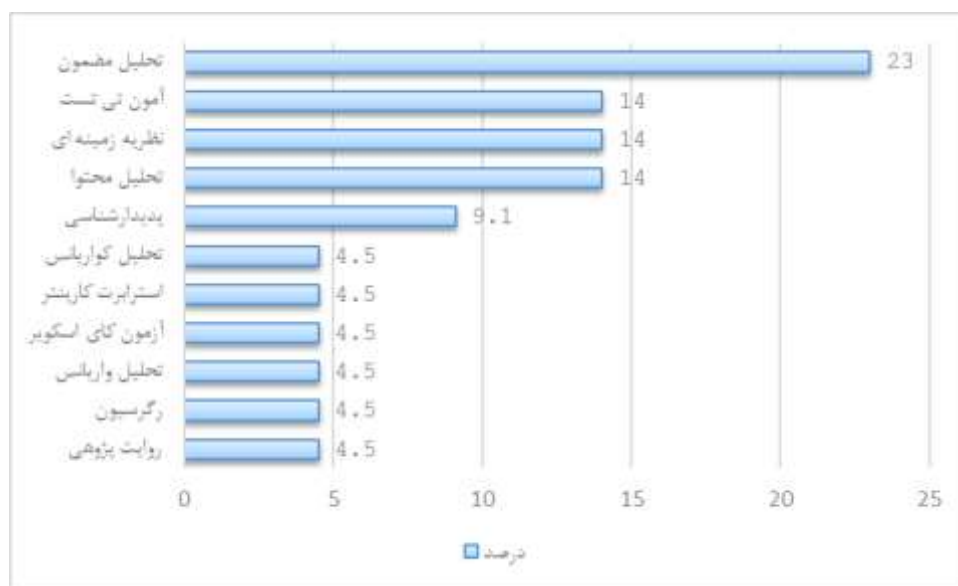
شکل ۱۷. شیوه نمونه‌گیری مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۴.۵.۲. روش تحلیل داده‌ها

در پژوهش‌های مورد بررسی، داده‌های کمی و کیفی با روش‌های مختلفی تحلیل شده بود. شکل شماره ۱۸، فراوانی روش‌های تحلیل را نشان می‌دهد. بنابر یافته‌های تحقیق، از روش‌های کیفی نظیر تحلیل مضمون، نظریه زمینه‌ای و پدیدارشناسی بیشتر استفاده شده است. ۲۳ درصد مقالات از روش تحلیل مضمون استفاده کرده‌اند. در رتبه‌های بعدی آزمون آمار استنباطی (T test)، نظریه زمینه‌ای و تحلیل محتوای کیفی (هر کدام ۱۴ درصد) و پدیدارشناسی (۹.۱ درصد) قرار دارند. سایر تحقیقات

از آزمون‌های تحلیل کواریانس، کای اسکویر، تحلیل واریانس، استرایت کایتر، رگرسیون و روایت پژوهی (هر کدام ۴.۵ درصد) بهره برده‌اند.



شکل ۱۸. آزمون‌های آماری مقالات حوزه آموزش مهاجران

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این تحقیق با هدف مرور و جمع‌بندی مقالات منتشر شده در مجلات علمی و پژوهشی فارسی مصوب وزارت علوم در حوزه آموزش مهاجران و شناسایی شکاف‌های تحقیقاتی در این زمینه انجام شد. بدین منظور با بررسی ۲۰ مقاله علمی - پژوهشی در حوزه آموزش مهاجران در ایران، نه تنها به تحلیل روندهای پژوهش‌های منتشر شده پرداخته شد، بلکه سعی شد چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مهاجران در بستر فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ایران از مجموعه پژوهش‌های مذکور استخراج

شود. در ادامه، یافته‌های این مرور و نقصان‌های موجود در پژوهش‌ها ارائه می‌شود و پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده عرضه می‌گردد.

۵. ۱. نظام آموزشی ایران و مسئله مهاجران: از نابرابری تا عدالت آموزشی

بررسی مقالات نشان می‌دهد که نظام آموزشی ایران در مواجهه با مهاجران با چالش‌های ساختاری مواجه است. بیشتر مطالعات بر نابرابری‌های آموزشی، کمبود منابع و عدم دسترسی مهاجران به آموزش باکیفیت تأکید کرده‌اند. از جمله می‌توان به نتایج برخی از تحقیقات اشاره کرد (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۹؛ کوشکی و همکاران، ۱۳۹۹؛ سنقری، ۱۴۰۰) که نشان می‌دهند دانش‌آموزان مهاجر تجربه تبعیض، توهین و طرد از سوی دانش‌آموزان و برخورد تبعیض‌آمیز معلمان را در مدارس داشته‌اند. محققان معتقدند مهاجران اغلب در روابط خود متفاوت بودن و مورد تبعیض واقع شدن را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر تحقیقات (میرزایی، ۱۳۹۶؛ سعیدی و فلاحی، ۱۳۹۹؛ سنقری، ۱۴۰۰؛ رضانی‌بدر و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می‌دهند دانش‌آموزان و دانشجویان مهاجر، با موانعی از جمله فقدان توان مالی پرداخت شهریه، یادگیری مؤثر، اعتبار دانشگاه محل تحصیل، مدارک دانش‌آموختگی، گذرنامه تحصیلی، یادگیری مؤثر، محتوای آموزشی و ... در طول تحصیل مواجه بوده‌اند.

باین‌حال، تحقیقات نشان می‌دهد که برخی از برنامه‌های آموزشی و مداخلات اجتماعی توانسته‌اند به بهبود وضعیت آموزشی مهاجران کمک کنند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کوشکی و همکاران، ۱۳۹۹؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۱). این یافته‌ها اهمیت توجه به عدالت آموزشی و طراحی برنامه‌های آموزشی فراگیر را برجسته می‌کند.

۵. ۲. آموزش مهاجران به مثابه چالش هویتی: از حاشیه‌نشینی تا ادغام اجتماعی

تحقیقات مرور شده نشان می‌دهد که رویکردهای فعلی بیشتر به حاشیه‌نشینی آموزشی مهاجران توجه دارند تا ادغام واقعی آن‌ها در نظام آموزشی یا بیان تجربه‌های ادغام (سنقری و همکاران، ۱۳۹۳؛ صادقی‌فسایی و نظری، ۱۳۹۵؛ علاء‌الدینی و میرزایی، ۱۳۹۷؛ سعیدی، ۱۳۹۹؛ علیزاده و همکاران،

۱۴۰۲). یافته‌های مقالات حاکی از آن است که نوجوانان افغانستانی اغلب تمایل دارند تا با افرادی در ارتباط باشند که افغانستانی باشند و به دلیل روابط محدودی که با جامعه میزبان داشته اند، نمی‌توانند به تعریفی از هویت اجتماعی مشترک با جامعه میزبان دست یابند و خود را به‌عنوان افرادی متفاوت از جامعه می‌بینند (سنقری و همکاران، ۱۳۹۳). حاشیه‌ای شدن از سوی ایرانیان احساس طردشدگی و بی‌اهمیتی را به دنبال دارد و آنها برای خود آینده و دورنمایی در ایران تصور نمی‌کنند. داشتن برخوردهای نامناسب با اقلیت‌ها در جریان تعاملات روزمره آنها را در معرض فاصله‌گیری از افراد عادی جامعه قرار می‌دهد (صادقی‌فسایی و نظری، ۱۳۹۵). این مسئله نیاز به بازنگری در سیاست‌های آموزشی و تربیتی دارد تا از طریق برنامه‌های درسی چندفرهنگی و آموزش معلمان، به تقویت هویت مثبت و ادغام اجتماعی مهاجران کمک شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مهاجران در ایران با چالش‌های هویتی عمیقی همراه است. مفاهیمی مانند "هویت دینی/ملی/ سایه‌ای" و "دیگری مهاجر" از کلیدواژه‌های پرتکرار در مقالات بودند (خیری و رحیمی، ۱۳۹۷؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سعیدی، ۱۳۹۹؛ علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲) که نشان می‌دهد محققان به مسائل هویتی و فرهنگی مهاجران توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ به‌طوری‌که برخی از تحقیقات نشان می‌دهند عمدتاً افغانستانی‌ها با تصور عمومی از هویت ایران‌ناسازگار هستند و دلیل این برداشت به ساخت اجتماعی مهاجر به‌عنوان دیگری برای حکومت توسط گفتمان‌های سیاسی، دانشگاهی و ... ایجاد می‌شود. این دیگربودگی ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که درنهایت مانع ادغام مهاجران در جامعه می‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲). این در حالی است که احساس پیوند اجتماعی با جامعه میزبان به تقویت احساس ارزشمندی در افراد می‌انجامد و عنصر مهمی در هویت‌سازی و افزایش منزلت است که در مقابل، تبعیض ساختاری اعمال شده بر مهاجران، طرد اجتماعی تحصیل‌کردگان افغانستانی و به‌تدریج افزایش احساس منفی به جامعه میزبان، کاهش رضایت اجتماعی، و ... را در پی خواهد داشت و ادغام فرهنگی و اجتماعی و همچنین ادغام ساختاری مهاجران را به تعویق می‌اندازد (سعیدی، ۱۳۹۹). این یافته‌ها با نظریه فرهنگ‌پذیری جان بری

(۲۰۱۹) مرتبط است که بر تعامل بین هویت فردی و جمعی در جوامع چندفرهنگی تأکید می‌کند. از سوی دیگر تأکید بر تعامل و ارتباط و ارتباطات میان فرهنگی از دیگر کلیدواژه‌های پرتکرار در مقالات بودند که نشان می‌دهد محققان به مسئله ارتباط و تعاملات بین فرهنگی توجه داشته‌اند. این یافته‌ها با نظریه گودی کانست (۲۰۰۲) مرتبط است که بر ارتباطات میان مردم از فرهنگ‌های مختلف تأکید دارد.

۵. ۳. کمبود تنوع روش‌شناختی: ضرورت تنوع‌بخشی به رویکردهای روشی

از نظر روش‌شناسی، بیشتر مقالات (۷۵ درصد) از روش‌های کیفی مانند تحلیل مضمون و پدیدارشناسی استفاده کرده‌اند که نشان‌دهنده تمایل محققان به درک عمیق تجربیات زیسته مهاجران است. باین‌حال، کمبود تحقیقات کمی و ترکیبی در این حوزه نشان‌دهنده نیاز به توسعه روش‌های تحقیق چندوجهی است که بتوانند هم به تحلیل عمیق و هم به ارائه راه‌حل‌های عملی بپردازند. در مقالات مورد بررسی کمتر از داده‌ها و اسناد در زمینه آموزش مهاجران استفاده شده است، این در حالی است که اگر داده‌های معتبری در این زمینه موجود باشد، می‌تواند محور سیاست‌گذاری‌های آموزشی مهاجران قرار گیرد. تحلیل داده‌های کمی ملی و بین‌المللی و تحلیل اسناد سیاست‌گذاری در زمینه آموزش مهاجران می‌تواند زوایای بازتری از چالش‌ها و نیازها را پوشش دهد.

۵. ۴. کمبود تنوع داده‌ها و تحقیقات تطبیقی: ضرورت افزایش حساسیت به تنوعات

داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز اغلب از دانش‌آموزان و کمتر از دانشجویان گردآوری شده است و تمایزهای سنی، جنسیتی، قومیتی، مذهبی، طبقاتی و ملیتی بین مهاجران در موضوع آموزش مورد بررسی قرار نگرفته است و می‌توان گفت وجود این حساسیت‌ها در پژوهش‌های مورد بررسی غایب است. افزون‌براین عمده تحقیقات به مهاجران افغانستانی پرداخته‌اند، درحالی‌که اگرچه بیش از ۹۰٪ مهاجران در ایران افغانستانی هستند، اما ایران میزبان مهاجرانی از سایر کشورها هم هست که در پژوهش‌ها دیده نشده‌اند. علاوه‌براین، جامعه آماری مورد بررسی عمدتاً مهاجران بوده است و تحقیقات تطبیقی در حوزه آموزش بین ساکنان و مهاجران مغفول مانده است. همچنین سایر ذی‌نفعان

آموزش مهاجران از جمله معلمان، مدیران مدارس و سایر متولیان امر در حوزه آموزش مهاجران مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است؛ به طوری که صرفاً سه مقاله به بررسی دیدگاه اساتید و معلمان پرداخته اند.

۵.۵. کمبود تنوع رویکردهای رشته‌ای: ضرورت تکثر رویکردهای نظری و بین‌رشته‌ای

اغلب نویسندگان مقالات مورد بررسی در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محلاتی و ابوالعمالی، ۱۳۹۵؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۹؛ کوشکی و همکاران، ۱۳۹۹؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۱؛ کریمی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱؛ علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲) قرار داشته‌اند. همچنین بیشتر مقالات بر بعد عاملیت کنشگران در سطح خرد تمرکز داشته‌اند و ساختارها و داده‌های کلان کمتر بررسی شده است. بررسی موضوع از منظرهای جامعه‌شناختی، علوم مدیریت و سیاست‌گذاری، اقتصاد و رویکردهای بین رشته‌ای به ویژه اقتصاد آموزش و پرورش می‌تواند جنبه‌های مختلف موضوع را در مقیاس‌های مختلف خرد، میانه و کلان در معرض دید و تحلیل قرار دهد.

۵.۶. تهران محوری مطالعات و کمبود تنوع جغرافیایی تحقیقات

بیشتر مطالعات (۵۴ درصد) در تهران انجام شده‌اند که نشان‌دهنده تمرکز تحقیقات بر مناطق شهری و دسترسی‌پذیر است. این در حالی است که در سایر شهرهای مهاجرپذیر از جمله مشهد، قم، شیراز، اصفهان، یزد و کرمان یک یا دو تحقیق و بعضاً هیچ تحقیقی در حوزه آموزش مهاجران انجام نشده است. کمبود تحقیقات در مراکز مهاجرپذیر و سایر مناطق نشان‌دهنده نیاز به گسترش جغرافیایی مطالعات است تا بتوان به درک جامع‌تری از چالش‌های آموزشی مهاجران در سراسر ایران دست یافت. ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی، بافت اجتماعی و واکنش‌های اجتماعی نسبت به حضور مهاجران در شهرهای مختلف ایران تاحدودی متفاوت بوده است و بدیهی است که مسائل آموزش مهاجران هم تاحدی متفاوت و نیازمند بررسی‌های جداگانه و اختصاصی باشد.

۵. ۷. فقدان مطالعات ارزیابی و پیامدسنجی

در پژوهش‌های موجود به‌طور وسیعی به زمینه‌ها و موانع آموزش مهاجران پرداخته شده است؛ درحالی‌که تأثیر پیامدهای دریافت آموزش، اعم از پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بر جامعه مهاجر و میزبان و حتی تأثیر آموزش مهاجران بر روابط بین فرهنگی و بین کشوری واکاوی نشده است. این در حالی است که به دلیل ارتباط مداوم جامعه مهاجران (خصوصاً مهاجران افغانستانی) با جامعه مبدأ در خلال دهه‌های گذشته (به‌ویژه در دوره جمهوری افغانستان) رفت‌وآمدهای مهاجران تحصیل‌کرده ایران به جامعه افغانستان تأثیرات متنوعی برای جامعه ایران و افغانستان داشته است. همچنین سنجش پیامدهای ارتباط اجتماع مهاجران با جامعه مقصد، به‌خصوص در شهرهای بزرگ کشور، می‌تواند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آموزش مهاجران را هدفمندتر کند و سمت و سوی دقیق‌تری به آن بدهد. به‌ویژه مطالعات ارزیابی و پیامدسنجی آموزش مهاجران می‌تواند در زمینه راهبردهای ادغام مهاجران درس‌آموز باشد. برای مثال تأثیر آموزش و سوادآموزی بر مهارت‌آموزی یا اشتغال مهاجران در ایران، افغانستان و کشورهای ثالث درخور مطالعه است.

۵. ۸. فقدان بررسی آموزش مهاجران در قالب مدارس خودگردان و بین‌المللی

مطالعات موجود آموزش دانش‌آموزان مهاجر متمرکز بر تحصیل در مدارس دولتی است؛ درحالی‌که بخشی هرچند کوچک از مهاجران در مدارس خودگردان و بین‌المللی تاکنون تحصیل کرده‌اند یا می‌کنند. اگرچه این مدارس فراز و نشیب‌های زیادی را در نظام آموزش رسمی ایران تجربه کرده‌اند، اما به‌هرحال بخشی از وظیفه آموزش مهاجران را به دوش کشیده‌اند و بررسی این تجارب از این جهت ارزشمند است که می‌تواند دست‌مایه سیاست‌گذاری در زمینه مشارکت بیشتر جامعه مهاجر در آموزش مهاجران باشد. همچنین لازم است فعالیت نهادهای بین‌المللی در آموزش خیل عظیم مهاجران و پناهندگان در ایران ارزیابی شود. متأسفانه در این زمینه اطلاعات بسیار محدود است.

اکثر تحقیقات از موضعی همدلانه عمدتاً به نابرابری آموزشی و نقص دسترسی مهاجران و تجارب منفی مهاجران به آموزش پرداخته‌اند. پژوهش‌ها کمتر به‌طور مستند به مشکلات آموزش مهاجران با همه کمبودها و چالش‌های نظام آموزشی ایران (چالش‌های بودجه‌ای، لجستیک، فضا، نیروی انسانی و ...) پرداخته‌اند. برای مثال فشار تقاضا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و همچنین از ۱۴۰۰ به بعد (با ظهور طالبان) طبعاً محدودیت‌هایی را هم برای جامعه مهاجر و هم میزبان و هم نظام آموزشی جامعه میزبان پدید آورده است. اما ارزیابی مشخص و نظام‌مندی از این کمبودها و محدودیت‌ها و تأثیر آن بر آموزش دانش‌آموزان جامعه مهاجر و جامعه میزبان در پژوهش‌های موجود به چشم نمی‌خورد.

۵. ۹. فقدان مطالعات تاریخی و نسلی

برطبق تحلیل‌های سیاستی مشخص شده است که ایران روندی از تحول سیاستی را در زمینه آموزش مهاجران از دهه ۶۰ تاکنون پیموده است. بااین‌حال تحقیقاتی که تأثیر این تحولات تاریخی سیاست‌های آموزشی را بر نسل‌های مختلف مهاجران بررسی کند، در میان پژوهش‌های منتشرشده دیده نمی‌شود. این‌گونه مطالعات نظام‌مند می‌تواند پیامدهای سیاست‌های مختلف را نشان دهد و چراغ راه سیاست‌گذاری‌های آینده باشد.

۵. ۱۰. فقدان مطالعات تطبیقی بین‌کشوری

در میان مطالعات موجود منتشرشده به فارسی، مطالعات تطبیقی که تحصیل مهاجران در ایران و سایر مقاصد مهاجران را مقایسه کرده باشد به چشم نمی‌خورد. مطالعات تطبیقی با مقایسه نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف و بررسی تجارب موفق و ناموفق، به مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی امکان می‌دهد با شناخت وضعیت نظام‌های دیگر، برنامه‌های آموزشی خود را بهبود بخشیده و متناسب با نیازهای مهاجران تنظیم کنند.

۵. ۱۱. فقدان مطالعات در زمینه کمک‌ها و همکاری‌های بین‌المللی

پژوهش‌های موجود یکی از ابعاد مهم برنامه‌ریزی آموزش مهاجران و پناهندگان را تقریباً به‌کلی ندیده گرفته است. از آن‌جا که بخش درخور توجهی از دانش‌آموزان مهاجر در ایران مشمول تعاریف

بین‌المللی پناهنده بوده‌اند، این وضعیت از نظر قوانین بین‌المللی تابع مقررات ویژه‌ای بوده و همه کشورهای در چنین شرایطی از کمک‌ها و همکاری‌های بین‌المللی از سوی سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو یا نهادهای جامعه مدنی بین‌المللی (NGO) یا دولت‌های خارجی برخوردار می‌شوند. از این رو، پاره‌ای همکاری‌های بین‌المللی نیز بین ایران و سازمان‌های مربوط صورت گرفته است، اما زمینه‌ها، روش‌ها، تأثیرات، چالش‌ها و خلاءهای این همکاری‌های بین‌المللی تاکنون واکاوی نشده و ارزیابی مشخصی از این همکاری‌ها در قالب پژوهش روشمند انجام نشده است. به‌ویژه باتوجه به مسئله تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و بعضی دغدغه‌های امنیتی، ممکن است این همکاری‌ها تحت تأثیر قرار گرفته باشند و لاجرم چالش‌هایی برای نظام آموزشی و جامعه میزبان و مهاجر پدید آمده باشد، اما پژوهشی در این زمینه تاکنون منتشر نشده است.

در مجموع، اگرچه آموزش مهاجران در یک دهه اخیر تاحدی مورد توجه محققان دانشگاهی قرار گرفته است و وجوه مهمی از این موضوع تاکنون بررسی شده است، اما همچنان خلاءهای موضوعی و روش‌شناختی در این زمینه وجود دارد. این مقاله این خلاءها را شناسایی کرده و در معرض دید پژوهشگران دغدغه‌مند قرار داد تا با شناخت دقیق‌تر وضعیت به بهبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه یاری رسانند.

کتابنامه

۱. آویارد، ه. (۱۳۹۰). چگونه یک تحقیق مروری انجام دهیم؟ راهنمای کاربردی انجام پژوهش، پایان‌نامه و نگارش مقالات مروری در علوم/اجتماعی و پزشکی. (ف. علی‌پورگراوند، و پ. صرامی‌فروشانی، ترجمه). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲. بشیر، ح.، و کشانی، م. ر. (۱۳۹۸). ارتباطات میان‌فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم‌فرهنگی. فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، ۱۴ (۴۱)، ۳۰-۹.

۳. خدابخشی کولایی، آ.، اشرفی، ف.، و همتی منش، ا. (۱۳۹۰). پرخاشگری در دانش‌آموزان افغانی مقیم ایران. *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، ۱۳(۱۰)، ۵۳-۵۳.
۴. خسروی، ر.، بهادری، ر.، گراوند، ف.، و احمدی، ع.ی. (۱۳۹۸). مطالعه عوامل مرتبط با سازگاری دانش‌آموزان افغانستانی ساکن در شهر شیراز. *دوفصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۵(۱)، ۱۷۵-۱۴۹.
۵. خیری، ح.، و رحیمی، م.ع. (۱۳۹۷). تفاوت هویتی نسل اول و دوم مهاجران افغانی به ایران (مورد مطالعه: مهاجران هزاره‌ای مقیم قم در سال ۹۶). *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۶(۲)، ۱۵۱-۱۳۱.
۶. دهدار، ف. (۱۴۰۱). *آموزش متکثر و ادغام اجتماعی: تجربیات جهانی و درس‌هایی برای ایران*. تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۷. رمضانی بدر، ف.، ابراهیم پور، ا.، پزشکی، ا.، و خلیلی، م. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر وضعیت تحصیلی دانشجویان اتباع خارجی در دانشگاه علوم پزشکی زنجان. *مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۱۴(۴۳)، ۱۹-۱۰.
۸. سعیدی، س. (۱۳۹۹). غربیه‌های قریب: بررسی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۲(۲)، ۱۷۹-۱۴۵.
۹. سعیدی، س.، و فلاحتی، ل. (۱۳۹۹). تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام آموزش عالی ایران. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۷۶-۱۵۳.
۱۰. سنقری، ن. (۱۴۰۰). *طراحی الگوی مداخله مددکاری اجتماعی به منظور بهبود جامعه‌پذیری نوجوانان افغان مقیم شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه مددکاری اجتماعی، تهران.
۱۱. سنقری، ن.، فکری آزاد، ح.، و معارف‌وند، م. (۱۳۹۳). موانع ادغام اجتماعی نوجوانان افغانستانی در جامعه ایرانی (مطالعه موردی شهر تهران). *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۳(۵)، ۱۲۴-۱۰۱.
۱۲. صادقی فسایی، س.، و نظری، ح. (۱۳۹۵). بچه افغانی: شکل‌گیری تصور از خود و دیگری در تجربه زندگی روزمره نوجوانان افغان. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵(۳)، ۴۵۶-۴۳۷.
۱۳. عرب شیراز، ق.، سلیمانی، ن.، و شفیع‌زاده، ح. (۱۴۰۱). تجربه زیستی دانش‌آموزان مهاجر از تنوع فرهنگی در مدارس کشور ایران. *ترویج علم*، ۱۳(۲۲)، ۷۴-۸۸.

۱۴. علاءالدینی، پ.، و میرزایی، آ. (۱۳۹۷). ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی تهران. *پژوه‌های انسان‌شناسی ایران*، ۸(۱)، ۷-۲۵.
۱۵. عزیزانیری، س.، صادقی، ع.ر.، ادیب، ی.، و قادری، م. (۱۴۰۲). کشف و یافتن سازوکارهای ساخت دیگری مهاجر در ایران با تحلیل مضمون. *پژوهش‌های راهبری سیاست*، ۱۲(۴۷)، ۲۹۷-۲۶۹.
۱۶. عیسی‌زاده، س.، عباسیان، ع. ا.، ضیاءنوری، ا. (۱۳۹۹). تأثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت‌های نیروی کار افغانستان: مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۵(۸۵)، ۹۰-۶۵.
۱۷. کریمی‌زاده، ن.، فتحی‌واجارگاه، ک.، عارفی، م.، و صادقی، ع.ر. (۱۴۰۱). بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان افغانستانی در تعاملات و ارتباطات درون‌مدرسه‌ای در دوره متوسطه اول. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال ۱۹، ۲(۲۸)*، ۹۵-۱۱۲.
۱۸. کوشکچی، ن.، فرحبخش، ک.، و اسمعیلی، م. (۱۳۹۹). تجربه خشونت نمادین در بین دانش‌آموزان مهاجر و پیامدهای روانی اجتماعی آن. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۹(۲)، ۲۹-۲۰.
۱۹. محلاتی، ر.، و ابوالمعالی، خ. (۱۳۹۵). مقایسه ابعاد سازگاری تحصیلی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان ایرانی و مهاجر دوره متوسطه با توجه به ملیت- نوع مدرسه و جنسیت آنها. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۵(۶۰)، ۱۱۸-۹۹.
۲۰. موسوی، ص.، فتحی‌واجارگاه، ک.، حقانی، م.، و صفایی‌موحد، س. (۱۳۹۹). تجارب معلمان دوره ابتدایی از چالش‌های آموزش به مهاجران افغان: یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱۰(۲)، ۶۵-۳۴.
۲۱. موسوی، ص.، فتحی‌واجارگاه، ک.، حقانی، م.، و صفایی‌موحد، س. (۱۴۰۱). طراحی الگوی برنامه درسی ویژه مهاجرین افغان در نظام آموزش عمومی کشور. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۸(۲)، ۵۲-۲۹.
۲۲. میرزائی، ح. (۱۳۹۶). بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۴(۱۱)، ۴۳-۸۴.
۲۳. نصرافهانی، آ.، و حسینی، س.ح. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۲۰)، ۵۵-۸۳.

۲۴. وکلاپرس، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان. (مصوب ۱۹۵۱). (1400, April 10).
<https://vokalapress.ir/?p=3734>
25. Ashlee, A., Clericetti, G., & Mitchell, J. (2020). Refugee Education: A Rapid Evidence Review.
 26. Berg, J. (2023). Higher education for refugees: relevance, challenges, and open research questions, *SN Social Sciences*, 3,177. <https://doi.org/10.1007/s43545-023-00769-6>
 27. Berntsen, C., Vestad, L., Johannessen., & Fandrem, H. (2025). 'It sort of goes hand in hand the academic and the social': teachers' experiences working with the inclusion of immigrant students in mainstream lower secondary school classes in Norway. *International Journal of Inclusive Education*, 30(3), 391-407.
<https://doi.org/10.1080/13603116.2025.2451030>
 28. Berry, J. W. (2019). *Acculturation: A personal journey across cultures*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108589666>
 29. Bolzonella, F., de Greef, M., & Segers, M. (2024). Training design for social inclusion: The impact of sociodemographic factors on immigrant learners in Dutch adult education programs. *Social Psychology of Education*, 27(6), 3453–3490.
<https://doi.org/10.1007/s11218-024-09936-w>.
 30. ChildFund Australia. (2026, May 13). What's the Difference Between an Asylum Seeker and Refugee? *ChildFund Australia*.
<https://www.childfund.org.au/stories/whats-the-difference-between-an-asylum-seeker-and-refugee/>
 31. Fandrem, H., Jahnsen, H., Nergaard, S., & Tveitereid, K. (2021). Inclusion of immigrant students in schools: the role of introductory classes and other segregated efforts. *International Journal of Inclusive Education*, 28, 440 - 455.
<https://doi.org/10.1080/13603116.2021.1950222>
 32. Ghasemi-Tafreshi, S., & Lafortune, G. (2023). The Schooling of ForcedImmigrant Afghan Youths in Iran: A Study of the Factors Leading to Exclusion. *Comparative and International Education*, 52(1), 58-72.
 33. González-Falcón, I., Arroyo-González, M. J., Berzosa-Ramos, I., & Dusi, P. (2022). I do the best i can: The role of immigrant parents in their children's educational inclusion. In *Frontiers in Education* (Vol. 7, p. 1006026). Frontiers Media SA.
 34. IOM. (2020). *World Migration Report 2020*. Retrieved from [IOM] (<https://www.iom.int>)
 35. Jamaludin, S., Mohd, S.N., Win, K.K., & Noviani, W. (2024). Sustainable Education for Refugees Children: A Literature Review. *International Journal of Care Scholars*, 7(1), 102-110.

36. Meroni, C., & Velasco, V. (2023). School-Based Interventions for Migrant Students in the Framework of the Health Promoting Whole-School Approach: An Umbrella Review. *Sustainability*, 15, 1-29.
37. Moher, D., Liberati, A., Tetzlaff, J., Altman, D.G., & The PRISMA Group. (2009). Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses: The PRISMA Statement, *PLoS Med* 6(6), e1000097. doi:10.1371/journal.pmed1000097
38. Morrice, L. (2021). The promise of refugee lifelong education: A critical review of the field. *International Review of Education*, 67(6), 851–869.
<https://doi.org/10.1007/s11159-021-09927-5>
39. Nugent, H. (2022). The number of people fleeing their homes has doubled in a decade. Why?. *World Economic Forum*.
<https://www.weforum.org/stories/2022/07/global-displaced-conflict-refugees/>
40. Schildkraut, D. J. (2010). *Americanism in the twenty-first century: Public opinion in the age of immigration*. Cambridge University Press.
41. Smythe, F. (2024). School inclusion, young migrants and language. Success and obstacles in mainstream learning in France and New Zealand. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 45, 2543 - 2556.
<https://doi.org/10.1080/01434632.2022.2056189>
42. Telsaç, O. Y., Karagoz, S., & Telsaç, C. (2022). The educational problems of migrant children: Findings and recommendations. *Migration*, 4(3), 11-8.
43. UNESCO. (2018). *Global Education Monitoring Report 2019: Migration, displacement and education: Building bridges, not walls*. Paris: UNESCO.
<https://gem-report-2019.unesco.org/>
44. UNHCR. (2010). Convention and Protocol Relating to the Status of Refugees. Retrieved from <https://www.refworld.org/docid/3be01b964.html>.
45. UNHCR. (2021). Global Trends: Forced Displacement in 2021. Retrieved from <https://digitallibrary.un.org/record/3977817?ln=en&v=pdf>
46. UNHCR. (2024). What Is a Refugee? Definition and Meaning. Unrefugees.org; UNHCR. <https://www.unrefugees.org/refugee-facts/what-is-a-refugee/>
47. Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on conducting a systematic literature review. *Journal of planning education and research*, 39(1), 93-112.